سرمقاله: منابع نفت خاورمیانه و دریای خزر و بازارهای جهانی انرژی

حسن تاش، سید غلامحسین

پنجمین کنفرانس بین المللی مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی تحت‏ عنوان فوق الذکر در شرایطی برگزار می‏گردد که بازار جهانی نفت با شرایط ویژه و کم‏سابقه‏ای روبروست مهمترین عناصر این شرایط ویژه را می‏توان‏ به صورت زیر فهرست نمود: 1-علیرغم چندین مرحله افزایش تولید نفت توسط سازمان اوپک‏ هنوز قیمتهای جهانی نفت در سطوح نسبتا بالایی قرار داشته و هنوز گرایش به افزایش بیشتر دارد،این در حالیست که آمار و ارقام حاکی از فزونی عرضه بر تقاضا و تداوم ذخیره‏سازی است.

2-هرچند همانطور که اشاره شد در حال حاضر عرضه فزونتر از تقاضا بوده و بازار در حال ذخیره‏سازی است اما در صورت تداوم روند رشد فعلی اقتصاد جهانی بازار جهانی نفت طی چند سال آینده با نگرانی‏های زیادی مواجه خواهد بود،چرا که در حال حاضر از طرفی‏ تولید غیراوپک به بالاترین حد خود رسیده است و از طرف دیگر در درون اوپک نیز ظرفیت مازاد تولید قابل‏توجهی وجود ندارد،اکثر قریب‏ به اتفاق اعضاء اوپک در شرایط جاری حداکثر ظرفیت تولید نفت خود را به کار گرفته‏اند و تنها در دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده‏ عربی ظرفیت اضافی بسیار محدودی وجود دارد.فقدان ظرفیت‏های مازاد تولید بازار جهانی نفت را در شرایط آسیب‏پذیری قرار داده است قطع نفت‏ هریک از تولیدکنندگان جهان و خصوصا منطقه خاورمیانه به سادگی قابل‏ جبران نخواهد بود و این واقعیت حوزه عمل سیاسی و نظامی آمریکا خصوصا در منطقه خاورمیانه را شدیدا محدود می‏نماید،در چنین‏ شرایطی قرار دادن همه تخم‏مرغ‏ها در یک سبد خاص نیز منطقی نخواهد بود و آسیب‏پذیری را تشدید می‏کند.

3-بازار جهانی با محدودیت ظرفیت‏های پالایشی خصوصا در رابطه‏ با فرآورده‏های میان تقطیر مواجه است،پالایشگاه‏ها قادر به تأمین کافی‏ سوختهای مرغوب با استانداردهای قابل قبول نیستند،استانداردهای‏ زیست‏محیطی نیز این مسئله را تشدید نموده است در چنین شرایطی در واقع قیمت‏های فرآورده‏های نفتی،قیمت‏های نفت خام را به سمت بالا می‏کشانند و این مشکل با تولید فزونتر نفت خام قابل رفع نخواهد بود.

4-وابستگی بیش‏ازپیش ایالات متحده به نفت خام وارداتی و محدودیتهای لجستیک این کشور برای نقل‏وانتقال به هنگام نفت خام‏ وارداتی در کنار محدودیت‏های ظرفیت‏های پالایشی این کشور نیز از دلایل افزایش قیمت نفت خام و فرآورده‏های نفتی است.

پس از بررسی عناصر فوق الذکر خوبست به بررسی و تحلیل این‏ موضوع بپردازیم که چه عواملی بازار جهانی نفت را با چنین وضعیتی‏ روبرو کرده است.

به نظر نگارنده وضعیت جاری بازار جهانی نفت و مشکلات اساسی که پیش روی آن قرار دارد پیش از هرچیز و بیش از هرچیز ناشی از استراتژیها و سیاستهای اشتباه ایالات متحده است.

بعد از شوک اول نفتی در سال 1973(صرفنظر از اینکه دلایل واقعی‏ وقوع این شرکت چه بود)و خصوصا با تشکیل آژانس بین المللی انرژی و با وجود مکانیزم تصمیم‏گیری که در این آژانس وجود دارد آمریکایی‏ها نبض سیاستگذاری انرژی و نفت کشورهای OECD را در دست گرفتند و کشورهای اروپای غربی و ژاپن نیز منفعلانه مقوله امنیت انرژی خود را به‏ آمریکا واگذاشتند و این در شرایطی بود که آمریکایی‏های که خود به دلیل‏ دارا بودن منابع انرژی(در داخل کشور و در نزدیک مرزهای خود)از آسیب‏پذیری نسبتا کمتری برخوردار بودند،بدون توجه به منافع سایر اعضاء آژانس،با گروه زدن مسئله نفت با استراتژیها و توسعه‏طلبی‏های‏ سیاسی و نظامی خود،عملا امنیت عرضه نفت اروپا و ژاپن را دستخوش‏ تمایلات خود نمود.اگر امروز یک بار دیگر به مفاد سخنرانی هنری‏ کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا در اجلاس انرژی واشنگتن که در فوریه 1974 تشکیل شد و مبدأ تشکیل آژانس بین المللی انرژی گردید نظری بیافکنیم،عناصر اصلی سیاستهایی که طی 25 سال گذشته توسط آژانس مذکور پی‏گیری گردیده است را خواهیم یافت و می‏توان با در دست داشتن یک تجربه طولانی به ارزیابی میزان موفقیت و کارایی این‏ سیاستهای پرداخت.مسلما در اینجا مجال پرداختن به همراه موارد نیست و لذا به بررسی آثار و تبعات بعضی از مهمترین سیاستهای آمریکا بسنده‏ می‏کنیم:

1-سیاست آمریکا در جهت کاهش وابستگی به نفت منطقه‏ خلیج فارس بوده است این سیاست با توسعه‏طلبی و آتش‏افروزی آمریکا در منطقه خلیج فارس همراه گردیده است.طی دهه‏های گذشته آمریکایی‏ها و عوامل ایشان با دخالت در تشنجات منطقه و تحریک این‏ تشنجات در جهت تشدید آن حرکت کرده‏اند این سیاست‏ها از سویی مانع‏ سرمایه‏گذاری‏های لازم و به موقع در جهت توسعه ظرفیت‏های تولید منطقه و از سوی دیگر اصولا موجب تخریب بخش قابل‏توجهی از این‏ ظرفیت‏ها گردیده است.وضعیت موجود و کلیه پیش‏بینی‏هایی که راجع‏ به دو دهه آینده وجود دارد نشان می‏دهد که سیاستهای آمریکا غیر دوراندیشانه و کوته‏نظرانه بوده است چرا که وابستگی جهان به نفت‏ خلیج فارس دائما در حال افزایش است اما امروزه دشواریهای زیادی در منطقه برای پاسخگویی به تقاضا آینده جهان وجود دارد.

2-پایین نگهداشتن قیمت‏های واقعی نفت در یک دوره طولانی‏ (بیش از پانزده سال)همراه با بی‏ثباتی قیمت‏ها در کنار به وجود آمدن‏ بازارهای جذاب‏تر برای جلب سرمایه‏ها موجب عدم سرمایه‏گذاری لازم‏ و به موقع در بخش‏های مختلف صنعت جهانی نفت و در نتیجه‏ فرسودگی این صنعت گردیده است،هم اینکه نیز اگرچه در طی یکسال و نیم گذشته قیمت‏ها در حدود نسبتا قابل قبولی قرار داشته است اما برخوردهای غیرمنطقی و ایجاد جو روانی منفی در کنار ارایه گزارشات و آمارهای ضد و نقیض امکان تصمیم‏گیری قاطع در زمینه‏ سرمایه‏گذاری‏های اساسی را از دست‏اندرکاران صنعت جهانی نفت سلب‏ نموده است.

3-مخالفتهای مستمر آمریکا با انجام گفتگوهای جدی میان‏ کشورهای تولیدکننده و مصرف‏کننده نفت خصوصا در زمینه قیمت‏گذاری‏ نفت خام،موجب شده است که تصمیمات هماهنگ و منطقی در جهت‏ تداوم بلندمدت عرضه کافی نفت در سطح بین المللی اتخاذ نگردیده و امری که نیازمند همکاری و هماهنگی است در مسیر رقابت بیهوده و مخرب قرار گیرد.

4-تحریم‏های نفتی آمریکا بر علیه برخی از کشورهای دارای منابع‏ انرژی در کنار ایجاد محدودیت بر علیه برخی دیگر از این کشورها که‏ همگی بر مبنای اهداف توسعه‏طلبی سیاسی بوده است مانع به فعلیت‏ درآمدن توانایی‏های بالقوه این کشورها در تأمین انرژی مورد نیاز جهان‏ شده است.

5-و بالاخره استراتژی‏های توسعه‏طلبانه آمریکا در آسیای میانه که بر محور منابع انرژی این منطقه استوار گردیده است عملا امکان بهره‏برداری‏ بهینه از منابع هرچند محدود این منطقه را سد نموده است،چرا که‏ آمریکایی‏ها برای انتقال نفت و گاز محدود این منطقه به بازارهای جهانی‏ مسیرهایی را دیکته می‏کنند که کاملا فاقد توجیه اقتصادی است، آمریکایی‏ها سالهاست از طریق کارشکنی در زمینه امکان استفاده از سایر مسیرها،کوشیده‏اند که مسیرهای مورد نظر خود را به کرسی بنشانند همچنین یکی از اهداف آمریکایی‏ها از تحریم نفتی کشورهای نفت‏خیز آن‏ بوده است که سایر فرصت‏های سرمایه‏گذاری را برای شرکتهای نفتی‏ محدود نمایند تا سرمایه‏ها جذب منطقه آسیای میانه گردد اما امروز ناکارایی این سیاستها و آثار و تبعات منفی آن بر همه آشکار گردیده است‏ اما دستگاه سیاست‏گذاری غیرمنعطف آمریکا هنوز حاضر به پذیرش‏ شکست و تغییر مواضع خود نیست.البته اکثریت قریب به اتفاق‏ شرکتهای نفتی آمریکا و خصوصا شرکتهای بزرگ نفتی متوجه شکست‏ سیاست خارجی آمریکا هستند و در مقابل آن صف‏بندی نموده‏اند.

با توجه به آنچه گفته شد روشن می‏شود که حل اساسی و ریشه‏ای‏ مشکلات بازار جهانی نفت و برقراری اصولی و قابل‏اعتماد امنیت عرضه‏ نفت به جهان مصرف‏کننده مستلزم تجدیدنظر اساسی در سیاستهای‏ آژانس بین المللی انرژی است.کشورهای اروپای غربی در کنار دولت ژاپن‏ با همراهی شرکتهای بزرگ نفتی باید حداکثر تلاش خود را در جهت‏ مجاب کردن دولت آمریکا به ناکارآمدی سیاست‏های گذشته این دولت و آژانس بنمایند و در صورتی که در این ربطه توفیق لازم را حاصل ننمودند مشی خود را از دولت آمریکا جدا نموده و استراتژیهای مستقلی را تدوین‏ نموده و در پیش گیرند.بدون شک در این میان انجام گفتگوهای جامع‏ میان این کشورها و کشورهای صاحب ذخایر و تولیدکننده نفت خام از جایگاه و اهمیت ویژه‏ای برخوردار است و برای این منظور باید از هر فرصتی استفاده نمود.پنجمین کنفرانس مؤسسه مطالعات بین المللی‏ انرژی که انجمن اقتصاد انرژی نیز در برگزاری آن همکاری دارد فرصت‏ مغتنمی برای بررسی تجربیات نامطلوب گذشته و ارایه چشم‏اندازهای‏ روشن‏تر برای آینده است.حضور فعال و سگترده شرکتهای بزرگ نفتی و کارشناسان مستقل در این کنفرانس و در کشوری که ذخایر عظیم نفت و گاز را در خود جا داده است و از پتانسیل عظیمی برای تأمین بخش قابل‏ توجهی از تقاضای جهانی انرژی برخوردار بوده و همچنین از نقش کلیدی‏ و تعیین‏کننده در انتقال منابع انرژی منطقه آسیای میانه به بازارهای جهانی‏ برخوردار است اهمیت چنین فرصتی را دوچندان می‏کند.